

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسندگان: "آندری کارتونوف" و "ژانو خوآشن"
برگردان و تلخیص از: خسرو صدري
۱۴ جولای ۲۰۲۱

مواضع قدرت ها در مورد "نظم جهانی"!

چین طرفدار "چند جانیه گرانی"
روسیه به دنبال "جهانی چند قطبی"
امریکا خواهان "جهانی تک قطبی"



تارنمای "شورای امور بین الملل روسیه"، به تشریح مواضع قدرت های بزرگ در باره "نظم جهانی" پرداخته است.
برگردان و خلاصه مقاله: "دوقطبی جدید و پیامدهای استقرار آن: دیدگاه چین و روسیه!"
نویسندگان: "آندری کارتونوف": مدیر کل و عضو هیأت رئیسه ش.ا.ب.ر و "ژانو خوآشن": استاد مؤسسه تحقیقات
بین المللی دانشگاه فودان، متخصص فروم چین و ش.ا.ب.ر
تاریخ انتشار: دسمبر ۲۰۲۰

چین هیچ گاه مفهوم "جهان دوقطبی"، چه به شکل "G2" یعنی همکاری با امریکا، و چه به صورت تقابل با آن را، به صورت رسمی نپذیرفت. روسیه هم از این دیدگاهی که جهان در حال "دوقطبی شدن جدید" است، حمایت نمی

کند. (دوقطبی قدیمی: امریکا و شوروی). تأکید روسیه بر گذار تدریجی نظم جهان تک قطبی امریکا محور، به سمت نظامی چند قطبی (ویا چند مرکزی) است. با این وجود در محافل آکادمیک روسیه و چین، روز به روز موضوع شکل گیری سیستمی دوقطبی با شرکت امریکا و چین، بیشتر مطرح می شود. این موضوع اینک پس از شیوع کرونا هرچه بیشتر در مرکز توجه قرار می گیرد: روابط چین و امریکا وخیم است. در این میان بحث "دوقطبی شدن" در جهان پس از کرونا، به مسأله داغ سیاسی و آکادمیک در جهان سیاست بدل می شود...

در روسیه برای تعریف "قطب" در صحنه بین المللی بر عناصر سیاسی (نه ارزشی و مادی) تأکید می گردد. این رویکرد، سیاست خارجی روسیه و ابتکارات آن را، به منظور نمایش قدرت بازتاب می دهد. این در حالی است که این کشور به طور نسبی با کمبود پشتوانه مادی دست به گریبان است. در مسکو اغلب از این صحبت می شود که امریکا، چین و روسیه، قدرت های برتر جهان هستند. تأکید روسیه بر آن است که پائین بودن آشکار جایگاه مادی روسیه، می تواند با توانائی سرشار این کشور در قدرت تمرکز بر دستیابی به اهداف خارجی مشخص، بسیج منابع ضرور، آمادگی تامین ستراتیژی پایدار و بلند مدت در مناطق مختلف و غیره جبران شود. و روسیه می تواند به کمک آن ها پرش هائی بلند تر از قدش داشته باشد...

نظر غالب این است که امریکا ادعا در مورد هژمونی جهانی را در آینده نزدیک کنار نمی گذارد. پس او "دوقطبی" و یا "چند قطبی" همکاری محور را نخواهد پذیرفت.

در غرب چنین ذهنیتی وجود دارد که در تقابل و رقابت روسیه و امریکا، هراز چندگاه آرامش و آتش بس برقرار می شود ولی آشتی فقط می تواند بر مبنای "ارزش" های یکسان صورت گیرد. این رویکرد یعنی آن که یکی باید پیروز و دیگری مغلوب شود...

منطق غربی می گوید: یک کشور قدرتمند برای هژمونی تلاش و با ارزش های آلترناتیو مبارزه می کند.



منطق چینی ولی می گوید: یک قدرت بزرگ مجبور نیست به یک سیاست یکجانبه گرایانه و تلاش برای کسب هژمونی روی آورد.

انتخاب چین:

با فرض این که به لحاظ مادی ، دوقطبی اینک شکل گرفته و چین یکی از قطب های آن است، با این حال از دید چین ، منطقی و بهترین سیاست ، ادامه "رویکرد چندجانبه گرایانه" است. مفهوم "چند جانبه گرایی" به "چند قطبی" نزدیک ولی باهم متفاوت هستند...

چند جانبه گرایی بر اصل برابری قرار دارد و چند قطبی سیاست مبتنی بر روابط قدرت های بزرگ است. چند جانبه گرایی علایق همه کشورهای ذینفع را مد نظر دارد و بر اساس توازن منافع بنا شده است. "چند قطبی" به قدرت اهمیت می دهد و آن را عامل اصلی می داند. چند قطبی می تواند با چند جانبه گرایی، هم سازگاری و هم مغایرت داشته باشد... چند جانبه گرایی با نیازهای دیپلماتیک چین مطابقت دارد.

انتخاب روسیه:

روسیه هرچند از نظریه "جهان چند قطبی" حمایت می کند، ولی آمادگی پذیرش واقعیت جهان دوقطبی، به رهبری امریکا و چین را دارد.

مسکو در این سیستم جدید جایگاه ویژه و متفاوت از شرکت کنندگان عادی برای خود می بیند که از طریق آن می تواند در تنظیم قواعد بازی حضور داشته باشد...

دوقطبی شوروی و امریکا به مدت ۴۰ سال توانست صلح و ثبات جهان را تأمین کند... ولی باید توجه داشت که در گذشته بلوک شوروی و غرب از نظر اقتصادی کاملاً مستقل از هم بودند. امروز با وابستگی متقابل شرق و غرب به یک دیگر، ظهور دوقطبی سیاسی که همه جنبه های اقتصادی ، مالی ، فرهنگی و انسانی روابط بین المللی را تحت تأثیر قرار می دهد، احتمالاً عواقب بسیار جدی تری نسبت به جنگ سرد سابق ، برای دیگران خواهد داشت.

منافع عمومی در این است که از این گزینه چشم پوشی کرده و به سمت یک سیستم بین المللی فراگیر برویم.



انتخاب امریکا:

سیاستمداران امریکا، ایجاد شکاف در "اوراسیا" را همیشه پیش شرط هژمونی این کشور دانسته اند. در اوایل دهه ۷۰، کیسینجر بیش از هرکس دیگری برای بهره گیری از اختلافات بیجینگ و مسکو تلاش کرد. آیا "جو بایدن" هم می تواند موفقیت او را تکرار کند؟...

واشنگتن باید سعی کند مسکو را در تقابل با بیجینگ به سمت خود بکشانند... ولی با جو ضد روسی گسترده در واشنگتن تصور می رود که روابط دو کشور تا سال ها بر اساس تقابل توسعه یابد. راه دوم برای امریکا، انعقاد توافقنامه با بیجینگ برای اعمال فشار به مسکو است. چنین اقدامی طرفداران زیادی در امریکا دارد...

با این حال چنین معامله ای با چین مستلزم آن است که امریکا از ادعا و جایگاه برتری خود در روابط جهانی دست بردارد. چنین انقلابی در درک امریکائی ها به نظر نمی رسد که دست کم تا قبل از انتخابات آینده اتفاق بیفتد و تا آن زمان روابط واشنگتن و بیجینگ همچنان متشنج باقی خواهد ماند...

امریکا علاقه ای به احیای قدرت سه گانه چین، روسیه، امریکا ندارد. زیرا در این صورت بیجینگ (به خاطر رابطه با روسیه) رهبر و برنده اصلی خواهد بود...

در شرایط فعلی رویکرد امریکا "مهار مضاعف" است که در آن چین یک رقیب برابر و روسیه یک کشور سرکش دیده می شود.

در نتیجه جو بایدن جهان را عملاً به یک دوقطبی جدید ژئوپلیتیک نزدیک می کند...

چند جانبه گرایی، مسیر همکاری های آینده چین و روسیه:

در سال های اخیر، "چند قطبی" هدف مهم همکاری های روسیه و چین بود. اکنون وضع تغییر کرده و چین در حال تبدیل شدن به یکی از دوقطب جدید است...

امروز هم چند جانبه گرایی می تواند نقش مهمی در توسعه روابط دو کشور داشته باشد، زیرا نقطه مقابل تک قطبی است و با چند قطبی مورد علاقه روسیه تضادی ندارد و فرصت "قدرت بزرگ" شدن را برای روسیه باز می گذارد... روسیه خود از اصل چند جانبه گرایی در روابط بین المللی حمایت می کند و آن را به عنوان پرچم دیپلماسی روسیه برای دفاع از جهان عادلانه و دموکراتیک "چند قطبی" آینده بر دوش دارد.

چین هم با وجود تغییرات، اهداف مشابهی را دنبال می کند: مقابله با سلطه گر، جلوگیری از مداخله و یکجانبه گرایی، حفظ ثبات ستراتیژیک جهانی و برقراری نظم عادلانه.